

آموزش اصطلاحات

فرازهایی از فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین‌المللی (انگلیسی - فارسی)
تألیف استاد حسن گلریز، انتشارات فرهنگ معاصر

اشاره

در این صفحات، فرازهایی از فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول و بانکداری و مالیه بین‌المللی درج می‌شود. شایان ذکر است که توضیحات ذیل این اصطلاحات ناظر به کاربرد رایج یا مصداق اصطلاحات مزبور در جوامع غربی، از جمله ایالات متحده آمریکا و انگلستان است و بعضاً با کاربرد آنها در جامعه ایران تفاوت‌هایی دارد یا کاملاً با یکدیگر منطبق نیستند. بنابراین، چنانچه به برخی تفاوت‌ها بین این توضیحات با واقعیات جامعه خودمان برخوردید، به این نکته توجه داشته باشید.

بانک و اقتصاد

پول مختلف هستند، مثلاً یک شرکت سرمایه‌گذاری ممکن است سهام چند شرکت بین‌المللی و یا اوراق قرضه‌ای را که به پول‌های دیگر است، خریداری کرده باشد، ولی بخواهد همه را به پول معینی، مثلاً ریال در حساب‌ها نگهداری کند.

current account

مترادف با Checking Account. نوعی حساب بانکی است که معمولاً بدون بهره است و صاحب حساب با کشیدن چک از آن برداشت می‌کند و یا پرداخت‌های خود را انجام می‌دهد.

حساب جاری

current assets

به وجوه نقد و سایر دارایی‌ها که به سهولت قابل تبدیل به پول نقد هستند، اطلاق می‌شود. مترادف است با: Liquid Assets و Circulating Assets.

دارایی‌های جاری

currency future

معاملات سلف اسعار است که منحصراً در تالار بورس اسعار انجام می‌شوند و سررسید و مبلغ استاندارد شده دارند.

معاملات پولی مستقبل

current balance

اصطلاحی که در موازنه پرداخت‌های کشور در مورد صدور و ورود کلیه اقلام، به استثنای اقلام سرمایه‌ای، به کار برده می‌شود.

تراز جاری، موازنه عملیات جاری

currency principle

رجوع کنید به توضیحات ذیل: Currency School.

اصل انتشار پول

current budget

پیش‌بینی اقلام درآمد و نحوه تامین و تخصیص هزینه‌های جاری (یا غیرعمرانی) دولت در یک سال مالی است.

بودجه جاری

currency school

نوعی طرزتلقی نسبت به انتشار اسکناس که در آن، برای اسکناس منتشره پشتوانه کامل در نظر می‌گیرد. مقایسه کنید با: Banking School.

مکتب پولی

current cost accounting

رجوع کنید به توضیحات ذیل: Inflation Accounting.

حسابداری هزینه جاری

currency translation

تبدیل به یک ارز
ثبت حساب‌های دارایی یا بدهی به یک پول معین، وقتی که این اقلام به چندین

تبدیل به یک ارز

cushion bonds

اوراق قرضه عندالمطالبه‌ای که نرخ بهره آنها درصدی بالاتر از نرخ بهره بازار است. لذا ارزش این اوراق در صورت افزایش نرخ بهره، افت کمتری دارد و در صورت کاهش بهره هم ارزش آن کمتر بالا می‌رود. لذا برای سرمایه‌گذاران محافظه‌کار مناسب است.

custodial account**حساب امانی**

حسابی که به منظور معینی معمولاً نزد شخص ثالثی نگهداری می‌شود، مثل حسابی که اولیا برای فرزندان صغیر خود نزد بانک یا موسسات پس‌انداز باز می‌کنند. این حساب معمولاً تا رسیدن کودکان به سن قانونی توسط آنان قابل برداشت نیست. مترادف است با: Custody Account.

custom built**مخصوص، سفارشی**

آنچه مطابق نیازهای شخص یا شرکت خاصی ساخته می‌شود:

We need a custom built printer for ourbank.

custom duties**عوارض گمرکی**

عوارضی که معمولاً به کالاهای وارداتی تعلق می‌گیرد. کالاهای صادراتی نیز ندرتاً مشمول عوارض گمرکی می‌شوند.

customer**مشتری**

هر کسی که نوعاً متقاضی دریافت کالا یا خدمتی است، اعم از این که خریدار کالا از یک واحد تجاری باشد و یا صاحب حساب در یک بانک و مانند آن.

current debts**دیون جاری**

دیون کوتاه‌مدتی که ظرف دوره حسابداری موردنظر باید پرداخت شوند. مترادف است با: Short - term Debts.

current exit value**ارزش جاری فروش**

مبلغی است که بابت فروش یکی از اقلام دارایی به بهای جاری عاید می‌شود. مترادف است با: Current Market Value.

current expenditures**هزینه‌های جاری**

کلیه هزینه‌هایی که برای جبران خدمات و خرید کالاهای غیرسرمایه‌ای در طی دوره حسابداری صرف شده است. مترادف است با: Current Expenses.

current liabilities**دیون جاری**

دیونی که در کوتاه‌مدت، یعنی کمتر از یک سال، باید پرداخت شود. این دیون ممکن است اضافه برداشت‌های بانکی، مالیات‌ها، سود سهام و یا آن بخش از دیون بلندمدت باشند که ظرف یک سال سررسید می‌شوند.

current price**قیمت جاری**

۱. به قیمت روز یا قیمت متداول بازار اطلاق می‌شود.
۲. در حسابداری ملی (National Accounting) این اصطلاح برای بیان وجود تورم در بهای یک کالا به کار برده می‌شود و با قیمت جاری یک کالا با قیمت ثابت (Constant Price) آن فقط به دلیل تورم متفاوت است. برای مثال، اگر قیمت کالایی در سال گذشته ۱۰۰ ریال و امسال ۱۲۰ ریال است، گفته می‌شود که قیمت جاری این کالا ۱۲۰ ریال و قیمت ثابت آن همان ۱۰۰ ریال است.

current proceeds**عواید جاری**

عواید حاصل از فروش در یک دوره حسابداری.

مترادف است با:

Current Income

درآمد جاری

Current Receipts

و دریافتی‌های جاری

current rate of growth**نرخ رشد جاری**

درصد افزایش تولید ملی که به قیمت‌های جاری ارزشگذاری شده باشد. به عبارت دیگر، نرخ رشد جاری افزایش ارزش تولید ملی در نتیجه تورم (افزایش قیمت‌ها) را نیز دربردارد.

current ratio**نسبت جاری**

عبارتست از نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری و مبین توان واحد تجاری برای تأدیه دیون جاری آن از محل دارایی‌های جاری است.

current transactions**معاملات جاری**

به دادوستد کالاها و خدمات، به جز نقل و انتقالات سرمایه‌ای، اطلاق می‌شود.

© تحویلدار ماشینی برای کاهش ازدحام مردم در شعب ساخته شده است.

customer automated teller**تحویلدار ماشینی**

ماشینی که در داخل بانک و یا مراکز تجاری و صنعتی نصب می‌شود و هر کسی می‌تواند به وسیله کارت حساب از حساب بانکی خود پول برداشت کند.

کارت مشتری**customer card**

کارت یا برگه‌ای که مشخصات و سوابق عملکرد یک مشتری روی آن درج شده است.

توجه به مشتری**customer care**

پیگیری و تامین نیازهای مشتری، مثلاً پس از تحویل ماشین‌آلاتی که او خریده است.

مناسبات با اعضای غیرعضو، سیاست تجاری مشابهی را اعمال می‌کنند.

آب‌های ساحلی**customs waters**

بخشی از آب‌های ساحلی هر کشور که معمولاً تا حدود ۱۲ مایل (قریب ۲۰ کیلومتر) در دریا ادامه دارد و در محدوده آن، قوانین آن کشور حاکم است.

درنگ در ثبت عملیات حسابداری**cut off**

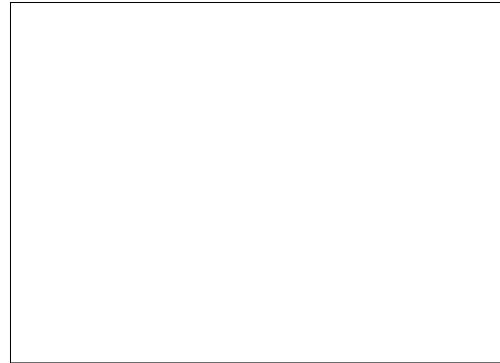
مکث یا توقیفی است که در ثبت حساب‌ها داده می‌شود تا مانده دفاتر با منابع دیگر مقایسه و کنترل شود.

رقابت مهلک**cut throat competition**

رقابت ناسالمی که برای خارج کردن رقیب از بازار بین دو یا چند عرضه‌کننده صورت می‌گیرد، مثلاً یک عرضه‌کننده قیمت کالای خود را به شدت پایین می‌آورد تا رقیب یا رقبا را بدین ترتیب از بازار خارج کند و سپس قیمت را بالا ببرد.

دور**cycle**

دوره‌ای که در آن، پدیده‌های منطقی رخ می‌دهد. دوره‌های تجاری Trade Cycles یا Business Cycles اشاره بر فرازونشیب‌های فعالیت اقتصادی در طی زمان دارند.



② بارگیری یا تخلیه کشتی باید در زمان معقولی صورت گیرد.

بارگیری (باراندازی) در زمان مقرر**customery quick despatch**

شرطی که در قراردادهای اجاره کشتی گنجانده می‌شود و به موجب آن، بارگیری یا تخلیه کشتی باید در زمان معقولی صورت پذیرد. در غیر اینصورت، باید هزینه معطلی (Demurrage) به کشتی پرداخت شود.

گمرک‌خانه، اداره گمرک**custom house**

مرز رسمی ورود و صدور کالا (و مسافر) و محل ثبت و ضبط و پرداخت حقوق و عوارض گمرکی برای کالاهای وارداتی و صادراتی.

واسطه امور گمرکی**customs broker**

شخص یا موسسه‌ای که در رتق‌وافتق تشریفات گمرکی و امور ترخیص کالا تخصص دارد و به نمایندگی از سوی صاحب کالا عمل می‌کند.

رده‌بندی کالایی شورای همکاری گمرکی**Customs Cooperation Council Nomenclature (CCCN)**

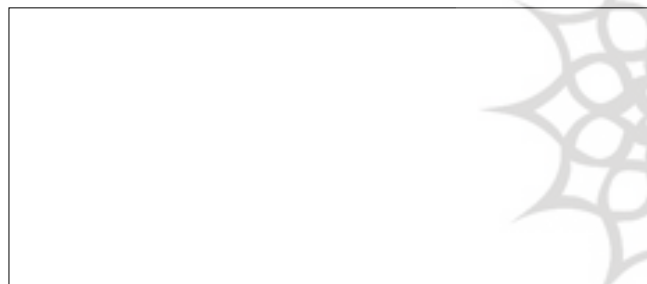
رجوع کنید به توضیحات ذیل: Brussels Tariff Nomenclature.

قلمرو گمرکی**customs territory**

منطقه داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور که شامل آب‌های ساحلی نیز هست و مقامات گمرکی، خارج از آن را "دنیای خارج" تلقی می‌کنند.

اتحادیه گمرکی**customs union**

اتحادیه‌ای مرکب از چند کشور که محدودیت‌های تجاری بین خود را برداشته و در



② بیکاری ادواری ناشی از رکودهای اقتصادی دوره‌ای است.

cyclical unemployment**بیکاری ادواری**

بیکاری ناشی از رکود دوره‌ای فعالیت‌های اقتصادی. بیکاری ادواری با بهبود اوضاع اقتصادی مرتفع می‌شود.

cyclical variations**نوسان‌های دوره‌ای**

تغییر مقدار یک متغیر که در بلندمدت روی می‌دهد. مقایسه کنید با: Seasonal Variations که به معنی "نوسانات فصلی" است.

ادامه دارد